

پیچیدگی‌های انتقال قدرت در ایران

در دنیای جدید، حاکمیت و مدیریت جامعه با مسائل و پیچیدگی‌های گوناگونی همراه است که بخشی از آن مربوط به موضوع انتقال قدرت است.



خبرگزاری مهر- در دنیای جدید، حاکمیت و مدیریت جامعه با مسائل و پیچیدگی‌های گوناگونی همراه است که بخشی از آن مربوط به موضوع انتقال قدرت است. انتخابات و مراجعه به آرا و نظرات مردم، یک وسیله ­ شناخته شده برای انتقال قدرت است که در ضمن آن هم کارکرد مدیران پیشین ارزیابی می‌­ شود و هم آرزوهای مردم در ارتباط با عملکرد مسئولان، جامعه ­ عمل می‌­ پوشد. دکتر سید یحیی یثربی استاد بازنشسته فلسفه طی یادداشت هایی نکته ­های ضروری و قابل توجه برای مسئولان و مردم در ­ باره ­ انتخابات یادآور شده که به ترتیب ارائه خواهیم کرد.

مقدمه

در دنیای جدید، حاکمیت و مدیریت جامعه با مسائل و پیچیدگی‌های گوناگونی همراه است که بخشی از آن مربوط به موضوع انتقال قدرت است. انتخابات و مراجعه به آرا و نظرات مردم، یک وسیله ­ شناخته شده برای انتقال قدرت است که در ضمن آن هم کارکرد مدیران پیشین ارزیابی می‌­ شود و هم آرزوهای مردم در ارتباط با عملکرد مسئولان، جامعه ­ عمل می‌­ پوشد. این انتخابات، اصول و مبانی مهمی دارد که غفلت از آن ­ها، به جامعه آسیب می‌­زند. یعنی ابزار انتخابات را که یک وسیله ­ آرامش و امنیت و ارزیابی و اصلاح بود، زمینه ­ ساز درگیری و دشمنی و نفاق و اختلاف می‌­گرداند. ما که نظام ­مان یک نظام اسلامی است، علاوه بر اصول و مبانی و مقررات شناخته شده ­جهانی، باید از رهنمودها و ارزش ­های اسلامی هم غفلت نکنیم. اصول و مبانی جهانی بر اساس نظریه ­پرداز ­های فیلسوفان سیاست و تجارب احزاب و دولت ­مردان پدید آمده ­اند. اما رهنمودها و ارزش ­های اسلامی هم از کتاب و سنت و نیز تجربه ­های تاریخی مسلمانان از حاکمیت می‌­تواند استنباط گردد و به دست آید.

من نکته ­های مربوط به رهنمودهای معصومان و تجارب جهان اسلام را بعداً مطرح می‌­کنم. نخست از اصول و مبانی ضروری انتخابات آغاز کرده و نکته ­هایی را تقدیم می‌­دارم. اینک وارد بحث از نکته ­ها می‌­شویم:

1- ­رابطه ­مردم و حاکمیت: در جهان امروز رابطه ­مردم با حاکمان به دو صورت مختلف است:

الف- رابطه ­دولت- ­ملت.

ب- رابطه ­دولت و اپوزیسیون.

ما این دو رابطه را کمی توضیح داده و به اختلافات و تفاوت ­های ­شان اشاره می‌­کنیم. تمایز و تفاوت ­های این دو نوع حاکمیت، از نظر بحث ­های نظری بسیار روشن و مشخص است. اما ما در این ­جا به جای پرداختن به بحث ­های نظری و انتزاعی این تفاوت ­ها را به گونه ­ای مطرح می‌­کنیم که خواننده با نمونه ­های عملی به مسائل نظری پی ببرد. اگر بخواهیم یک تعریف کلی از این رابطه ­ها به دست بدهیم، باید بگوییم که در رابطه ­دولت-ملت حاکمان و مردم، دست در دست یکدیگر دارند و هردو در یک مسیر گام برمی‌­دارند که مسیر توسعه ­کشور و رفاه مردم است. اما در رابطه ­دولت- اپوزیسیون، دولت با عوامل وابسته به خودش، در برابر اپوزیسیون قرار داد و اپوزیسیون با همه ­طرفداران آشکار و پنهانش، در برابر دولت قرار می‌­گیرد و مدام این دو مجموعه، در تضییع و تخریب یکدیگر می‌­کوشند. و نتیجه ­این تضییع و تخریب، چیزی جز عقب ­مماندن کشور و درد و رنج مردم و از میان رفتن اخلاق و ارزش ­ها نخواهد بود. ما این دو رابطه را با دو مشخصه ­حاکمان، مورد بررسی قرار می‌­دهیم و آن دو مشخصه عبارتند از:

- تسخیر و سودجویی در رابطه ­دولت- ­اپوزیسیون

- تدبیر و خردورزی در رابطه ­دولت- ­ملت

اینک این دو مشخصه را توضیح می‌دهیم. به نظر من همه نظام‌ها و نیز هرگونه پیشنهادی در ارتباط با حاکمیت، بر محور این دو مشخصه، قابل بررسی و ارزیابی می‌باشند. به خاطر رعایت اختصار، این دو عنوان را در «#تدبیر؛ و «#تسخیر؛ خلاصه می‌کنیم.

نماینده حاکمیت‌های تدبیری و تسخیری را به طور نسبی در جامعه‌های امروزی می‌توان نشان داد. جامعه‌های مدنی جدید و پیشرفته، از شیوه تدبیر پیروی می‌کنند، مانند آلمان، ژاپن و انگلیس و آمریکا. در مقابل آن‌ها، کشورهای عقب مانده قرار دارند که به &#shy؛ خاطر محرومیت از خردورزی لازم و گرفتار بودن در شرایط محیطی نامناسب از شیوه &#shy؛ تسخیر بهره می‌گیرند. مانند عربستان سعودی، افغانستان و کشورهای مشابه. اما چنان &#shy؛ که گفتیم این کشورها به &#shy؛ طور نسبی دارای این اوصاف هستند نه به &#shy؛ طور مطلق.

ما به جای تعریف &#shy؛‌های انتزاعی از این دو شیوه، به بررسی جزئیات رفتار و عملکرد در حوزه این شیوه‌ها می‌پردازیم. و به جای بررسی عملکرد جامعه‌های تدبیری، به عملکرد جامعه خودمان می‌پردازیم و مشخصات تسخیر و تدبیر را در عملکرد دولتیان خودمان جستجو می‌کنیم. زیرا هدف این نوشته تشخیص درد خودمان و جستجوی درمان این درد است.

چنان &#shy؛ که پیشتر نیز یادآور شدم، دموکراسی غرب مشکلات زیادی دارد. جنبه تسخیری آن نیز در جهات مختلف و به &#shy؛ طور آشکار و پنهان روشن است. اما سودمندی این حکومت &#shy؛‌ها برای مردم خودشان و ترجیح این &#shy؛ گونه حکومت &#shy؛‌ها بر حکومت &#shy؛‌های تسخیری گذشته و حال، نباید مورد تردید یا غفلت قرار گیرد.

از طرف دیگر ما چنان &#shy؛ که گفتیم به دنبال حکومتی هستیم که از این &#shy؛ گونه حکومت &#shy؛‌ها برتر بوده باشد تا هم خودمان از چنان حکومتی سود مادی و معنوی ببریم و هم آن را به عنوان جایگزین نظام &#shy؛‌های لیبرال-دموکراسی غرب، در سطح جهان، آن هم در مجلات علمی و مراکز پژوهشی کشورهای پیشرفته، پیشنهاد کنیم.

بنابراین، پیش از هر چیز باید به خودمان بازگردیم؛ به خود امروزیمان. در بازگشت به خودمان نیز، به عنوان پیروان «#مکتب انتظار؛ &#raquo؛ به کاستی‌های مادی و معنوی و کوتاهی &#shy؛‌های فردی و اجتماعی خودمان بیندیشیم. به پاسخ این دو پرسش فکر کنیم که:

- چرا نتوانسته‌ایم 313 نفر مجاهد شایسته برای ظهور ولی عصر آماده کنیم؟

- چرا نتوانسته‌ایم با این همه امکانات مادی و معنوی، پیشرفته‌ترین کشور جهان باشیم؟

من می‌خواهم جرأت پذیرفتن عیب و اشکال خودمان را داشته باشیم. مشکل بی‌کفایتی و ناشایستگی &#shy؛‌های خودمان را، با مقصر شمردن شیاطین جن و انس، پرده &#shy؛ پوشی نکنیم.

گناه بی &#shy؛ کفایتی‌های خودمان را در تدبیر و تربیت نسل جوان، به گردن ماهواره &#shy؛ و تهاجم آمریکا نگذاشته، از خود بپرسیم که این ماهواره کارآمد و در عین حال بی &#shy؛ طرف نسبت به خیر و شر، می‌توانست حامل فرهنگ و تربیت نورانی اسلام باشد به دیگران، چرا چنین نشده است؟ مگر غیر از این است که ما مسلمانان با این همه امکانات، غرض و توان آن را نداشته‌ایم؟!

به همین دلیل اجازه می‌دهیم &#shy؛‌ها که شرایط اجتماعی خودمان را در یک تحلیل فلسفی، به عنوان یکی از مسائل فلسفه سیاست که مقدمه تنظیم فلسفه سیاست اسلامی باشد، مورد بررسی قرار بدهیم.

دلیل دیگر من برای پرداختن به کاستی‌های خودمان، آن است که ما و مسئولان ما، بیشتر، از خوبی &#shy؛‌ها و شایستگی &#shy؛‌ها می‌گویند، درحالی &#shy؛ که باید از شفاف کردن کاستی‌ها غفلت نکرد. از حذیفه که ایمانش پیامبر اسلام (ص) را شگفت زده کرد، پرسیدند که: تو از کجا به این مقام دست یافتی؟ او در پاسخ گفت: همه اصحاب از خوبی‌ها و زیبایی‌ها می‌پرسیدند، ولی من از رسول خدا (ص) درباره بدی‌ها و بدبختی‌ها پرسش می‌کردم، تا بتوانم خود را نجات دهم. [1]

انتظار دارم که یادآوری نارسائی‌ها را تحمل کنیم. ذکر کاستی‌ها، کاستی ایجاد نمی‌کنند، بلکه اگر به &#shy؛‌ها طور جدی مورد توجه قرار گیرند برکمال ما می‌افزایند. پیشرفت &#shy؛‌های انسان بیشتر در مسیر آزمون و خطا به دست آمده‌اند.

نکته &#shy؛ دیگر این &#shy؛ که اگر جامعه &#shy؛‌ها، مان را در مقایسه با کشورهای غربی، دارای مشکل می‌دانم، این مشکلات مربوط به مسائل فیزیکی و عینی جامعه‌اند، وگرنه من هرگز دین و معنویت اسلام را با مسیحیت آنان در یک ترازو قرار نمی‌دهم و حتی بارها

گفته‌ام که بی‌دینی آنان را بر دیانتشان ترجیح می‌دهم که منشأ آن بی‌دینی، فهم است و منشأ دیانت آنان خرافه و تسلیم غیرعقلانی!

آری ما می‌خواهیم، نظامی داشته باشیم با همه خوبی‌ها و پیشرفت‌های shy&های آن‌ها و با همه خوبی‌ها و برتری‌های معنوی اسلام، تا در نهایت این نظام، نظام مورد پسند و انتخاب همه انسان‌های shy&های جهان قرار گیرد و ما به هدف خودمان که ظهور مهدی(عج) و جهانی شدن اسلام است دست یابیم.

تأکید می‌کنم که:

1- هدف من دایره‌ای ارزشی درباره شرق و غرب نیست. از نظر من گره زدن مشکلات عمده جامعه مان به ارزش‌های بنیادی، منطقی نیست. ما به جای این کار که تنها به درد سیاسی‌های shy&کاران می‌خورد، ریشه‌های shy&مشکلات را در بود و نبود کفایت و شایستگی لازم مدیران و علمی بودن و نبودن راه و روش مدیریت آنان جستجو کنیم. بنابراین اگر رابطه shy&های تسخیری را در برابر رابطه shy&های تدبیری قرار می‌دهم، صرفاً از این دیدگاه است.

2- برشمردن اوصاف جامعه‌های تسخیری یا تدبیری و جستجوی مصادیق آن‌ها در شرق و غرب، بر اساس مطلق‌های shy&نگری نیست. اگر می‌گوییم که جامعه اروپای غربی یا آمریکا، اوصاف یک جامعه تدبیری را دارند و کشورهای جهان سوم در شرایط تسخیری به سر می‌برند، به این معنی نیست که آن‌ها صددرد بی‌شایسته shy&ند و این‌ها صددرد دارای نقص و کاستی shy&ند! بلکه نظر به برجستگی shy&ها و جنبه غالب است. وگرنه غرب خود، صدها مشکل دارد. و اصولاً دموکراسی و لیبرالیسم نقطه پایان نیست. غرب بی‌وقفه در جستجوی راه‌های بهتر و مشکلات کمتر است. چنین نیست که در آن‌ها shy&جا از تسخیر اثری نباشد. قدرت خواهی از عناصر اصلی همه احزاب سیاسی است. چنان‌که shy&جهان سوم هم به هرحال از تدبیر خالی نیست. اما هدف آن است که نشان دهیم که آنان به تدبیر بیشتر تکیه دارند. همچنین نظر اصلی ما به روابط ملی و داخلی آن‌هاست، نه روابط خارجی و بین‌المللی shy&المللی آنان با جهان سوم.

3- من در حد فهم خود با کمال صداقت، از دردها سخن می‌گویم. از درد گفتن، الزاماً به معنی آن نیست که این دردها هستند. هدف شناختن 171#&درد؛ و به فرموده امام صادق علیه السلام شناختن 171#&کفر؛ است. [2] آرزومندم که نه درد در کار باشد و نه کفر. اگر نوشته‌ام در قالب اصطلاحات رسمی علوم اجتماعی و سیاسی نیست، شاید نشان آن باشد که نه آرزوهای قالبی می‌کنم و نه تحت تأثیر آن‌ها هستم.

ادامه دارد...

.....

[1]- بغدادی، خطیب، تاریخ بغداد، ج 7، ص 246.

[2]- کلینی، کافی، باب کفر و ایمان: در انتقاد از بنی‌های shy&امیه که سخن گفتن از اسلام را آزاد گذاشته و از بحث کفر جلوگیری می‌کردند، تا رفتار نادرست آنان آشکار نگردد!